

گفتاری در مورد مهاجرت فداییان اکثریت به شوروی

خانه دایی یوسف*

البرز خردمند

ادبیات سیاسی ایران در یک دهه اخیر با انتشار ده‌ها روایت، اتوبیوگرافی و نگاه از درون به رفتار و ذهنیت نحل‌های گوناگون سیاسی تحول‌بزرگی یافته‌است. در این تحول، نویسندگانی که اغلب خود پیشینه فعالیت سیاسی داشته یا دارند به بازنگری و بازگویی تجربه سیاسی گذشته پرداخته‌اند. کسانی همچون آرامش دوستدار، مهندس بازرگان، بابک امیرخسروی، ایرج اسکندری، مهدی خان‌بابا تهرانی، بزرگ علوی، حمید احمدی، ارتشید فردوست، آیت‌الله منتظری، شیوا فرهمند، ابراهیم نبوی و دیگران به ظهور و گسترش چنین شاخه‌یی در ادبیات سیاسی ایران یاری رسانده‌اند. در این آثار رفتار بازیگران سیاسی از درون زیر ذره بین انتقادی قرار می‌گیرد. گرچه در برخی از این آثار روایتگران در چهره یک قهرمان همه‌چیزدان یا «معصوم» ظاهر شده و با بی‌رحمی تمام همراهان سابق خود را مورد محاکمه قرار داده‌اند اما به هر حال اغلب این آثار خواندنی‌اند. گسترش چنین آثاری در دهه گذشته نشانگر تحول فکری بازیگران سیاسی و شروع فصل تازه‌یی در سیاست فرهنگ ایران است. این تحول سیاسی فرهنگی، نیاز به بازبینی ذهنیت و رفتار بازیگران سیاسی در جریان انقلاب ایران و حوادث پس از آن را بازمی‌تاباند و گویای چشم‌گشودن به خطاهای یک دوران مهم در سیاست ایران است. گرچه برخی از این آثار مرزهای تجربه شخصی، احساسات و یافته‌های نویسندگان با تحلیل عقلایی و مستند داده‌ها مخدوش شده‌است، اما به هر حال هر یک از این آثار کوشش مهمی در نقد و از آسمان به زمین آوردن اسطوره‌هایی است که زمانی «مقدس» و خط‌ناپذیر جلوه‌گر می‌شدند. یکی دیگر از دستاوردهای این اسطوره‌زدایی بازسازی اعتماد سیاسی است.

این تابوشکنی‌ها تا این اواخر به‌خانه «پرافتخار فدایی» راه نگشوده بود. با انتشار کتاب «خانه دایی یوسف» چهره درونی جنبش فدایی نیز تقدس‌زدایی شده و از دید یک بازیگر سابق آن بازنمایی می‌شود. از خواندن کتاب «خانه دایی یوسف» می‌توان دریافت که نویسنده آن یک فدایی خلقی اکثریت سابق است که در دوران مهاجرت شوروی این سازمان را موضوع کتاب خود قرار داده‌است. می‌توان گفت در نوع خود اولین نوشته انتقادی جدی است زیرا برخلاف توده‌یی‌ها، مجاهدین، سلطنت‌طلب‌ها و دیگران در این میان فداییان خلق بازنگری انتقادی کارنامه گذشته– نه به سبب فرمول‌های چندخطی اسناد حزبی بلکه به شکل باز و زنده و از درون جوشش زندگی، سنتی نداشته‌است. از این رو شاید انتشار «خانه دایی یوسف» محرکی برای شروع بحث‌های عمیق‌تری در میان فداییان کنونی و سابق نیز باشد.

نویسنده در مقدمه کتاب یادآور می‌شود «صاف و ساده به تجربه شخصی» اش رجوع کرده و یافته‌های فردی خود را از دوران مهاجرت شوروی نقل کرده‌است. کتاب، داده‌های بسیاری درباره افکار و رفتار فداییان خلق از رهبران گرفته تا اعضا پیش می‌کشد. نویسنده فارغ از هرگونه توجیه و پرده‌پوشی خواننده را با زوایای تفکر و روابط درونی و بیرونی یک گروه فدایی انقلابی در دوران مورد بحث آشنا می‌کند. او در این کتاب به گونه‌یی بی‌غل و غش و بدون بازی با کلمات از ته دل سخن می‌گوید و سفر پررنج انقلابیون فدایی را از دید تجربه فردی خود به تصویر می‌کشد. فداییانی که پس از گریز از ایران در سال ۱۳۶۲ به شوروی سابق پناه برده و اکثر آنان تا آستانه فروریزی سوسیالیسم واقعاً موجود در این کشور زیسته‌اند، موضوع عمده کتاب‌اند. انقلابیون جوان و پاک‌باخته، اما بی‌تجربه و چشم و گوش بسته و کم‌بضاعت فکری که در خیال خود افتخار زندگی در پناه «آخرین مرحله رشد دوران سوسیالیسم» و

تدارک پی‌ریزی جامعه ایده‌آل کمونیستی در روی کره زمین را نصیب خود ساخته بودند، در کتاب از زوایای گوناگون، در مواردی با بی‌رحمی و گاهی با طنز و خوشمزگی مورد نقد نویسنده قرار گرفته‌اند.

نویسنده توضیح می‌دهد «دایی یوسف» در واقع نام مستعار کشورش شوروی و رهبرش استالین است که توده‌یی‌ها و فرقه‌های قدیمی، آن را نه تنها پناهگاه امن خود پس از شکست آشوب آذربایجان بلکه شفابخش دردهای همه مردم دنیا می‌پنداشتند. راوی کتاب نشان می‌دهد همان تصور وارونه از شوروی و همان سرنوشت تراژیک، اما با تفاوت‌هایی نصیب فداییان خلق نیز در دوران زندگی شان در شوروی سابق شده‌است. «خانه دایی یوسف» از یک سو روابط درونی فداییان خلق و از سوی دیگر برخورد آنها با نظام شوروی را گام به گام ترسیم می‌کند. آزمایش سخت برخورد باوردهای خدشه‌ناپذیر مارکسیستی – لنینیستی فداییان با واقعات تکان‌دهنده شوروی سابق، به خصوص برای خواننده‌یی که از زندگی مهاجران ایرانی در شوروی سابق تصویری ندارد یک کتاب خواندنی‌است. اما جدال میان واقعات شوروی سابق و ذهنیت ساده‌لوحانه فداییان خلق نه تنها از منظر ایدئولوژیک و سیاسی بلکه از منظر انسانی و روانی نیز یک تراژدی به تمام معناست که گاهی خواننده را میان احساس درد و خنده حیران و بلاتکلیف می‌گذارد. یک امتیاز نویسنده ذهن فعال و حساس وی و نیز احساس مسولیت ملی و همچنین ثبت حوادث و رویدادهای ۱۷ سال پیش است.

اتابک فتح‌الله زاده فداییی خلقی که طبق نوشته خود در مبارزه چریکی قبل از انقلاب در خانه‌های تیمی می‌زیسته و سپس در کوران حوادث پس از انقلاب بارها تا آستانه مرگ پیش رفته و ایمانی مطلق به راه و سازمان خود داشته‌است، در این کتاب در واقع چشم‌گشودن دوباره خود را نقل می‌کند، می‌نویسد: «ما از ایران با این آرزو به شوروی پناه آورده بودیم که شاید زخم‌های سیاسی خود را بهبود بخشیم، اما زخم ما رفته‌رفته عمیق‌تر شد.» نویسنده در صفحه ۱۱۳ کتاب با اشاره به اعتقاد کیانوری که شکست شوروی را موقتی و گذرا می‌دانسته از وی می‌پرسد: «کسی از کیانوری نپرسید آخر این چه نظامی بود که با ۲۰ میلیون نفر عضو حزب کمونیست و یکصد میلیون عضو اتحادیه کارگری در یک چشم به هم زدن مثل حساب صابون ترکید و از هم پاشید؟»

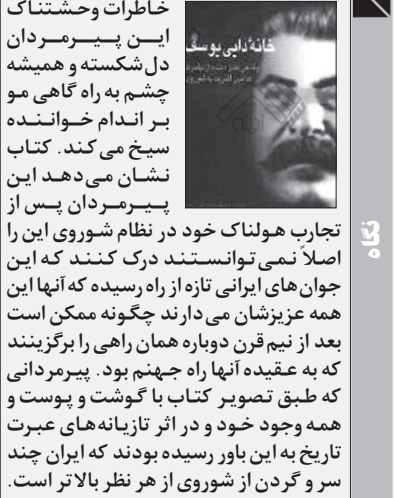
یک بخش کتاب مربوط به بازگویی ناگفته‌های بسیاری درباره رابطه سازمان اکثریت با کاگ‌ب است. می‌نویسد: «نه تنها رهبران سازمان اکثریت بلکه رهبران حزب توده هم از آغاز قربانی ایدئولوژی خود شدند و مورد سوءاستفاده قرار گرفتند. گرچه شرایط زمانی مهاجرت حزب توده با شرایط زمانی سازمان اکثریت متفاوت بود اما می‌توان نقاط اساسی مشترک در نحوه برخورد سازمان اکثریت و حزب توده ایران با قیله‌گاهشان را تشخیص داد. سازمان خمیرمایه بهتری از حزب توده نداشت. گردن‌کلفت‌تر از حزب توده و سازمان هم اگر به چنگ لنینیسم و انتراسیونالیسم شوروی می‌افتاد، نمی‌توانست گریبان خود را از دست روابط ناسالم آن‌ رهایی بخشد.» نویسنده در صفحه ۱۲۵ در این زمینه یادآور می‌شود: «سوءاستفاده کاگ‌ب از اعضای سازمان غیرانسانی بود. دستگاه امنیتی شوروی در مرحله اول از اعتماد و اعتقاد اعضای سازمان و حزب حداکثر سوءاستفاده را می‌کرد و به مرور به سبب وضعیت سخت معیشتی از شیوه‌های تطمیع، تهدید و به خصوص ارضای مالی و جنسی که الحق در این مورد استاد بود برای خیرگیری و جاسوسی علیه مهاجران قدیمی، دانشجویان خارجی ساکن شوروی و حتی تشکیلات و دوستان خود و نفوذ در سازمان‌های سیاسی دیگر در رابطه با ایران و اروپا و ترکیه استفاده می‌کرد. هرگز چنین

نبود که کاگ‌ب تمام کارها را فقط از یک نفر بخواهد. هر فرد هر چقدر لایق بود نمی‌توانست مرکز ثقل کار کاگ‌ب باشد و همه کارها از کانال او بگذرد. به همین دلیل کانال‌های مختلفی وجود داشته‌است.»

نویسنده زندگی داخلی سازمان، روابط میان رهبری و اعضا و نیز جناح بندی‌های درونی آن را در بخش‌های مختلف کتاب بازبینی می‌کند. درباره جناح بندی‌ها در صفحه ۱۵۲ می‌نویسد: «در سال‌های اولیه مهاجرت جناح چپ و راست سازمان هنوز شکل نگرفته بود. حتی بعدها هم جناح چپ با منتقدان سازمان در هر سطحی بودند خشن‌تر و تحقیرآمیزتر از رهبران جناح راست بود. وی در صفحه بعد چنین ادامه می‌دهد: «در پلنوم اول سازمان دو مقام شوروی یکی از مسکو به نام بارانف مسوول شعبه بین‌المللی حزب کمونیست شوروی و دیگری از ازبکستان به نام ارگاشف از مسوولان نخست‌وزیری نیز حضور داشتند و شاهد جدل دو جناح سازمان در رابطه با دو مساله (یعنی خط‌مشی گذشته و نفی وحدت با حزب توده ایران) بودند. بارانف در یکی از تنفس‌ها به‌طور کلی جناح چپ سازمان را تهدید می‌کند.»

بخشی از کتاب نیز به زندگی و سرنوشت نسل‌های قدیمی ایرانی در شوروی سابق اختصاص یافته‌است. سرنوشت کسانی مانند میرزا آقا، غلام، اسماعیل، عطاءالله صفوی و دیگران که اکثراً از قربانیان دوران استالینی‌اند به شکل گفت‌وگو، نامه و نقل قول به‌طور دردناکی تصویر می‌شود. نویسنده توضیح می‌دهد رفتار فداییان خلق در دو سال اول با این ایرانیان قدیمی ستیزه‌جویانه بود. مسوولان سازمان با عینک کمونیستی و انقلابی خود این ایرانیان کهنسال و دردمند و از همه سو رانده و مطرود را «واژه» و «ضدشوروی» می‌شمردند. زندگی و سرنوشت این پیرمردان زجر دیده ایرانی از بخش‌های تراژیک کتاب است. خاطرات وحشتناک این پیرمردان دل‌شکسته و همیشه چشم به راه گاهی مو بر اندام خواننده سیخ می‌کند. کتاب نشان می‌دهد این پیرمردان پس از تجارب هولناک خود در نظام شوروی این‌را اصلاً نمی‌توانستند درک کنند که این جوان‌های ایرانی تازه از راه رسیده که آنها این همه عزیزشان می‌دارند چگونه ممکن است بعد از نیم قرن دوباره همان راهی را برگزینند که به عقیده آنها راه جهنم بود. پیرمردانی که طبق تصویر کتاب با گوشت و پوست و همه وجود خود و در اثر تازیانه‌های عبرت تاریخ به این باور رسیده‌بودند که ایران چند سر و گردن از شوروی از هر نظر بالاتر است. وقتی می‌کوشیدند این فداییان خلق دوآتشه را پند و اندرز دهند، بلافاصله به انفعال و پاسیویسم متهم می‌شدند.

کتاب «خانه دایی یوسف» در مجموع به فهم فرهنگ سیاسی و روابط درونی سازمان اکثریت در آن دوران و نیز



سرنوشت تراژیک ایرانیان قدیمی در شوروی و همچنین ماهیت و کارکرد نظام شوروی سابق کمک می‌کند.

اما از برخی نواقص کتاب نمی‌توان چشم‌پوشید. «خانه دایی یوسف» یک کتاب تحلیلی یا تاریخی نیست و نباید آن را با چنین دیدی خواند. تجربه فردی یک بازیگر سیاسی مربوط به یک دوران به پایان رسیده‌است. نویسنده در مواردی روایت مستقیم به کار می‌برد؛ در مواردی سوم شخص است و در مواردی داده‌هایی را به کار می‌برد که خود منبع ثانویه آن است. به عبارت دیگر از شرح تجربه فردی خود که در مقدمه کتاب قول آن را به خواننده داده‌است، فراتر می‌رود و تجربه دیگران که شهرتی در تایید یا تکذیب آنها در دست نیست را نیز به کار می‌گیرد. از لحاظ سبک و انتخاب واژگان و کاربرد داده‌ها دقت لازم در کتاب دیده نمی‌شود. ساختار کتاب آشفته و نامنظم است و تابع زمان یا منطق خاصی نیست. شروع، ادامه و پایان آن بر روش معینی استوار نیست. شاید در چنین انتقال تجربه‌یی بهتر باشد نویسنده خود را به جای پژوهشگر یا مورخ نگذارد و تنها به ذکر تجارب خود اکتفا کند و تحلیل، روش‌کافی و داوری را برعهده افراد متخصص یا خوانندگان و علاقه‌مندان بگذارد. عوامل گوناگونی که سایه روشن‌های حیات یک حرکت سیاسی پرفراز و فرود را تشکیل می‌دهد در مواردی در انتخاب بازیگران سیاسی نیست و به عوامل خارج از اراده آنها بستگی دارد. در مواردی ایدئولوژی انتخاب شده نقش جدی بازی می‌کند و در مواردی نهادهای سیاسی عملاً موجود و سرانجام در مواردی بازیگراند که با ذهنیت و رفتار و تصمیم‌های خود یک حرکت سیاسی را شکل می‌دهند. تفکیک این حوزه‌ها البته نیازمند یک کار پرحوصله تحقیقی است. نویسنده می‌توانست بدون دخالت دادن احساسات، داوری را برعهده خواننده بگذارد که در مواردی می‌تواند با نتایج نویسنده هم یکسان نباشد.

کتاب «خانه دایی یوسف» با همه نقاط ضعف و قوت خود می‌تواند حلقه‌یی از یک کار بزرگ‌تر پژوهشی برای قابل درک کردن دوران به پایان رسیده مهاجرت شوروی یا برشی از زندگی فداییان خلق در یک دوران سپری شده تلقی شود. باید تاکید کرد کتاب فتح‌الله زاده هدف خود را کل فعالیت و سیر و سرگذشت فداییان خلق قرار نداده‌است، بلکه تنها محدود به بازگویی تجربه مهاجرت به شوروی است. مطلوب آن است که بازیگران دیگر این دوران نیز داده‌ها و ارزیابی‌های خود درباره زندگی و خطاهای فداییان خلق را در دسترس همه علاقه‌مندان قرار دهند تا نسل آینده ساز ایران از تجارب سهمگین و بی‌نهایت پرهزینه آنان برای ساختن جامعه‌یی بهتر، بهره‌مند شود. تردیدی نیست که چنین بازنگری ریشه‌یی برای آرزمانخواهانی که همه هستی خود را در راه پیکار سیاسی قربانی کرده‌اند و با همه خطاهای سیاسی و حتی استراتژیک در زندگی یک جریان سیاسی امری طبیعی و جبران‌ناپذیر است اما بر بحران اعتماد تنها با برنامه و روش سیاسی تازه نمی‌توان چیره شد. درست به همین دلیل است که سلطنت‌طلبان، مجاهدین خلق و چپ‌های افراطی صرف‌نظر از شعارها و گفتارهایشان، قادر به بازتولید اعتماد سیاسی جز در میان معدود افراد، گروه و قبیله خود نیستند. اما فداییان خلق یا دست‌کم بسیاری از آنان، گرچه نه به شکل منظم و پایه‌یی اما در عمل و تجربه به نقد نانوشته زندگی خود پرداخته‌اند. از این رو انتشار کتاب «دایی یوسف» می‌تواند زمینه و بهانه‌یی برای شروع تحلیل انتقادی و نبروبخش یک دوران به پایان رسیده از سوی بازیگران اصلی آن نیز باشد. چنین کوشش‌های فردی یا جمعی بدون تردید بر سرمایه معنوی آنها می‌افزاید، همچنین گام ارزشمندی در راه تکامل و رشد گنجینه ادبیات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک است.

* اسرار خانه دایی یوسف